



تحلیل سیاست خارجی و گرایش مذهبی ساسانیان در شاهنامه براساس نسخه طهماسبی

محمود رمضانی^۱، منیژه فلاحی^۲، رضا فهیمی^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، mahmoodramazni2020@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، fallahi@iau-saveh.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، fahimi@iau-saveh-ac.ir

چکیده

تاریخ منبعی از اطلاعات در مورد رفتار شاهان و مردم از اعصار مختلف در اختیار ما قرار می‌دهد. شاهنامه و مروج‌الذهب نیز اطلاعات زیادی از شاهان گذشته و جامعه ایران را در خود جای داده‌اند. در این پژوهش کوشش شده است تا سیاست خارجی و گرایش مذهبی دوره ساسانیان با تکیه بر شاهنامه مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که در شاهنامه به دلیل ویژگی داستانی - تاریخی در شرح وقایع به اطناب گراییده است. فردوسی حکایات زیادی را در مورد برخی از شاهان این دوره ذکر کرده که در کتاب‌هایی مانند کارنامه اردشیر بابکان و تاریخ طبری ذکر شده و جنبه داستانی آن‌ها بیشتر است. فردوسی در شاهنامه بیشتر به شاهانی پرداخته که حکایت داستانی بیشتری دارند. نسخه شاهنامه طهماسبی نیز با نگاره‌های مربوط به شاهان ساسانی و مزدک به وجوهی از فضای سیاسی و مذهبی دوره ساسانی اشاره کرده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی سیاست خارجی و گرایش مذهبی ساسانیان در شاهنامه.
۲. بررسی چگونگی انعکاس سیاست خارجی و گرایش مذهبی ساسانیان در شاهنامه طهماسبی.

سؤالات پژوهش:

۱. سیاست خارجی و گرایش مذهبی ساسانیان در شاهنامه چگونه است؟
۲. سیاست خارجی و گرایش مذهبی ساسانیان در شاهنامه طهماسبی چگونه بازتاب یافته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۳۲۸ الی ۳۴۰

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۰۲

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۹/۰۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

ساسانیان، شاهنامه، سیاست خارجی، اردشیر بابکان.

ارجاع به این مقاله

رمضانی، محمود، فلاحی، منیژه، & فهیمی، رضا. (۱۴۰۲). تحلیل سیاست خارجی و گرایش‌های مذهبی ساسانیان در شاهنامه بر اساس نسخه طهماسبی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۳۲۸-۳۴۰.



dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.52.3*8



dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.263208.1483

مقدمه

سلسله ساسانی آخرین سلسله پادشاهی ایران پیش از اسلام است که با شکست دادن اشکانیان روی کار آمدند. در کارنامه اردشیر بابکان فرایند تغییر حاکمیت اشکانی به ساسانی توسط اردشیر بابکان به مثابه مأموریتی الهی معرفی شده است (فره‌وشی، ۱۳۷۸: ۲۷). شاهان این سلسله حدود ۴۲۸ سال سلطنت کردند؛ در این دوران طولانی حدود سی پادشاه سلطنت کرده و هر یک حوادث را پدید آوردند. در این دوران حوادث سیاسی و اجتماعی مهمی روی داده است که بیشتر در رابطه با سیاست خارجی قابل بحث است. تواریخ راجع به این دوره فراوان نوشته‌اند اما باید بدانیم همه ادوار این سلسله پرماجرا نبوده است. برخی از شاهان ساسانی بیشتر معروف بوده و راجع به عملکرد سیاسی و زندگی شخصی آن‌ها بیشتر نوشته‌اند. در این دوره طولانی شاهد جنگ‌های مهمی با رومیان هستیم و همچنین اختلافات داخلی ایران بر سر سلطنت یا بر اثر ظهور ادیان تازه نیز بروز می‌کند. ظهور مانی در دوره شاپور ذوالاکتاف و مزدک در دوره قباد نمونه‌هایی از این دگرگونی‌هاست که با موافقت یا مخالفت‌هایی همراه شده و به شکست انجامیده است. اهمیت دوره ساسانی از این جهت است که به دست اعراب منقرض شدند. باتوجه به اهمیتی که این دوره در تاریخ ایران زمین دارد، کتاب‌های تاریخی مختلف حوادث این سلسله را نقل کرده‌اند.

در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به این موضوع پرداخته شده است که اخبار مهم دوره ساسانیان به‌ویژه در دوران شاهان معروف مانند: اردشیر، شاپور، انوشیروان، بهرام گور، شاپور ذوالاکتاف و قباد، در شاهنامه چگونه روایت شده است. درباره سیاست خارجی و گرایش مذهبی ساسانیان مقالات فراوانی نوشته شده است اما هیچ یک از آن‌ها به مقایسه میان تواریخ و اختلافات آن‌ها نپرداخته‌اند. اسلامی و صحرایی (۱۳۹۷) در مقاله «الگوی سیاست خارجی ساسانیان» ارتباط ایرانیان را با کشورهای دیگر در این دوره بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که الگوی سیاست خارجی سلسله ساسانیان براساس دفاع از دین زرتشت و هویت ملی ایران‌شهر است.

رحمانی (۱۳۹۷) در مقاله «ساسانیان و ایده ایران» به مسئله زنده کردن سنت‌های تاریخی ایران در دوره ساسانی پرداخته است. در این مقاله به مباحث مذهبی و روابط ایران‌شهر با مسیحیان پرداخته شده است. حبیبی‌نژاد در مقاله «مراکز آموزشی ایران در دوره ساسانیان» با اشاره به فرهنگ‌دوستی شاهان این سلسله، مراکز آموزشی دوره ساسانی را معرفی و تشریح نموده است. سوران و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل انتقادی گفتمان دینی-سیاسی در بخش تاریخی شاهنامه فردوسی» به مختصات دینی دوره ساسانیان در شاهنامه نیز پرداخته است.

۱. ساسانیان

سلسله ساسانیان اردشیر بابکان است که ماجرای زندگی وی و چگونگی به قدرت رسیدن او در کتاب کارنامه اردشیر بابکان نقل شده و برخی مورخان نیز با استفاده از این کتاب، تاریخ و افسانه را به هم آمیخته و روایاتی را از وی در کتب خود آورده‌اند. اردشیر ساسانی در نگاه مورخان اسلامی به پایمردی ترجمه کتب ساسانی، در پوششی از اسطوره و حماسه قرار می‌گیرد و سرانجام در نامه تنسر به چهره‌ای فناپذیر مبدل می‌شود و به‌عنوان مظهر اراده ملی، پیشوای

حکمت و تدبیر سیاسی و ... معرفی می‌گردد (محمودآبادی، ۱۳۷۹: ۶۱). فردوسی نیز در شاهنامه به این کتاب نظر داشته است. پادشاهی اردشیر را از وقتی به حساب آورده‌اند که «اردوان شاه را که از همه ملوک الطوائف مهم‌تر بود در عراق بکشت» (مسعودی، ۱۳۸۹: ۹۳). لوکونین در کتاب خود، ساسانیان را از خاندان روحانیان می‌شمارد و می‌گوید: آنان پرستاران پرستشگاه آناهیتای استخر بودند و نقش‌های ویژه تاجگذاری نشان می‌دهد که اعتقاد بر این است که تاج شاهی از سوی اهورامزدا به آنان واگذار شده است (لوکونین، ۱۳۵۰: ۱۱۷). نولدکه نسب او را به لهراسب رسانده و می‌گوید علت قیام وی ضد اردوان، گرفتن انتقام پسر عمویش دارا نبیره اسفندیار است که با اسکندر جنگید و به دست حاجبان خود کشته شد (نولدکه، ۱۳۵۸: ۴۱).

مدت سلطنت شاهان ساسانی در تواریخ با اختلافاتی درج شده است؛ برای مثال، طبری در مورد سال سلطنت یزدگرد بزه‌گر دو قول نقل کرده که با اختلاف زیادی همراه است، قول بعضی بیست و دو سال و قول دیگران یازده سال و پنج ماه و هجده روز است (طبری، ۱۳۶۲: ۲/۶۰۹). از این‌رو، مدت‌زمان سلسله ساسانی هم به‌طور قطع مشخص نمی‌شود و در شمارش سال‌ها اختلافاتی وجود دارد، مضاف بر این که تعداد شاهان این سلسله هم در تمام تواریخ یکسان نیست. طبری و فردوسی از سی شاه در این دوره نام می‌برند؛ اما در تاریخ حمزه اصفهانی تعداد شاهان ساسانی بیست و هشت نفر ذکر شده که مدت شاهیشان ۴۲۹ سال و ۳ ماه و ۱۸ روز است (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۴۶).

اولین و آخرین شاه ساسانی در تمام تواریخ اردشیر و یزدگرد هستند و در این مورد اختلافی نیست. دینوری که تاریخ ایران و اعراب را در کنار هم توضیح می‌دهد، تنها از حدود دوازده شاه ایرانی در دوره ساسانی نام برده است که بسیار موجز است و اطلاعات مهمی به‌دست نمی‌دهد و مشخص است که وی تعهدی برای ذکر نام همه شاهان نداشته است. مسعودی در تاریخ‌نویسی بر مسائل کلی تأکید داشته است. «مفهوم تاریخ جدید بر آثار مسعودی قابل تطبیق است؛ زیرا وی نسبت به آنچه مرتبط با فعالیت اندیشه و فکر بشر است نگاه جامعی دارد. به عبارت دیگر، تاریخ در مفهوم "آنچه بشر از خود بر جای نهاده" موضوعیت دارد» (واسعی و سعیدی، ۱۳۸۹: ۷۴). ثعالبی و طبری هم مدت سلطنت اردشیر را ۱۴ تا ۱۵ سال نوشته‌اند؛ (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۰۷؛ طبری، ۱۳۶۲: ۲/۵۸۵) اما در شاهنامه مدت ۴۰ سال و دو ماه ذکر شده است:

برآمد چهل سال و بر سر دو ماه
که تا بر نهادم به شاهی کلاه

(فردوسی، همان: ۱۹۱/۷)

این اختلاف سال در حکومت شاهان را در مورد چند تن از شاهان دیگر نیز می‌بینیم؛ از جمله اردشیر پسر شاپور که در شاهنامه ۴۰ سال و در مروج‌الذهب ده سال آمده است. ثعالبی (۱۳۶۸: ۳۴۳) و طبری (۱۳۶۲: ۲/۶۰۶) مدت سلطنت وی را ۴ سال نوشته‌اند که با هیچ‌کدام مطابقت ندارد. همچنین مدت سلطنت پوران‌دخت در شاهنامه شش ماه و در مروج‌الذهب یکسال و نیم ذکر شده است. طبری و ثعالبی (۱۳۶۸: ۴۶۹) هر دو ۸ ماه نوشته‌اند. مدت سلطنت آرمیدخت هم در شاهنامه چهار ماه ذکر شده و در مروج‌الذهب یکسال و نیم آمده است.

فردوسی از سی شاه ساسانی نام می‌برد که اولین آن‌ها اردشیر و آخرین آن‌ها یزدگرد است. جمع سال‌های سلطنت شاهان در شاهنامه نزدیک به ۵۰۰ سال است. از میان این شاهان تنها چند تن در تاریخ تأثیرگذار بوده و نامدار شده‌اند و در شاهنامه و تاریخ از آن‌ها داستان‌ها نقل شده است. این چند تن عبارت‌اند از: اردشیر مؤسس سلسله و پسرش هرمز، بهرام گور، شاپور ذوالاکتاف، خسروانوشیروان، هرمز پسر انوشیروان، خسرو پرویز و یزدگرد. مدت سلطنت ساسانیان در شاهنامه نزدیک به ۵۰۰ سال است که از روایت تاریخی بیشتر است.

یکی از اسناد مهم و معتبر تاریخی مربوط به ساسانیان کتیبه شاپور اول پسر و جانشین اردشیر بابکان در کعبه زرتشت واقع در نقش رستم است که به سه خط پهلوی پارتی و یونانی نوشته شده و برای شناخت تاریخ و رویدادهای دوره ساسانی همان اهمیتی را دارد که کتیبه بیستون برای هخامنشان دارا است. مؤلف اخبار الطوال آغاز شاهی اردشیر را هم‌زمان با بعثت عیسی نوشته است (دینوری، بی‌تا: ۷۱) اما در مروج الذهب چیزی در این مورد نوشته نشده است. مسعودی اردشیر را از نسل منوچهر می‌داند و راجع به قوانین دربار وی و ایجاد طبقات سه‌گانه خواص در دربار و همچنین طبقات هفت‌گانه مردم را توضیح داده است. وی طبقه خواص را در سه طبقه اسواران و شاهزادگان، نزدیکان و ندیمان و مصاحبان، دلکان و بذله‌گویان نام برده توضیح می‌دهد که طبقه اول ده ذراع از پرده حایل شاه فاصله داشته و دو طبقه دیگر هر یک به فاصله ده ذراع از طبقه پیشین قرار می‌گیرند. وی در مورد طبقات مردم نیز چهار طبقه اول را شامل: وزیران، موبدان، اسپهبدان، تدبیرگران دانسته و سه طبقه دیگر را شامل نغمه‌گران، مطربان و موسیقی‌پیشگان می‌داند. به نظر می‌آید سه طبقه اخیر جزو یک مجموعه باشند و دو طبقه دیگر را ذکر نکرده است؛ زیرا از طبقات مردم عادی مانند کشاورزان و صنعتگران نام نمی‌برد (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱/۲۴۰). وی به تفصیل از قوانین اردشیر در دوری از مردم عوام و اعتقادات وی یاد نموده ولی مسائل حاشیه‌ای مانند ازدواج با دختر اردوان را نقل نمی‌کند؛ در حالی که فردوسی داستان‌های مربوط به وی را مفصل شرح داده است.

فردوسی تاجگذاری اردشیر را در بغداد نوشته (۱۳۸۴: ۱/۱۹۳) و سپس به شرح ماجرای دختر اردوان و سپس تولد شاپور از وی می‌پردازد. در این ماجرا موبدی نقش دارد که اردشیر، زن را به او سپرده بود که به قتل برساند؛ اما او به علت بارداری زن وی را نگاه داشته و فرزندش را پرورده است. در صفحات بعدی داستان شاپور با دختر مهرک را نقل می‌کند. این نوع نقل تاریخ نشان می‌دهد فردوسی به نسب شاهان اهمیت زیادی می‌دهد و همچنین سخن خواب‌گزاران و موبدان را که پیش‌بینی کرده بودند نسل اردشیر با خاندان مهرک ادامه می‌یابد می‌پذیرد و با نقل مفصل داستان بر آن صحه می‌گذارد (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۴: ۱/۲۰۶-۲۱۰) و برخلاف رویه خاص او که در بخش‌های پهلوانی رستم دیده‌ایم جنگ‌ها را با ایجاز وصف می‌کند و چندان به جزئیات نمی‌پردازد.

گرچه در برخی تواریخ مانند طبری (۱۳۶۲: ۵۸۸-۵۸۹) اردشیر از هویت همسر خود بی‌خبر است و بعدها به آن پی می‌برد، فردوسی، ازدواج با دختر اردوان را آگاهانه می‌داند. در شاهنامه چنین می‌خوانیم که اردشیر بعد از کشتن اردوان به شاهی رسید و محل تاجگذاری او بغداد بود. در آغاز عدل و داد بر پای داشت و نام خدا را آورد. بعد از کشتن اردوان دختر وی را احضار نمود و با او ازدواج کرد تا گنج پدر را به او نشان دهد. دو پسر اردوان به هندوستان گریخته و دو

دیگر در زندان اردشیر بودند. پسر بزرگ‌تر که بهمن نام داشت به خواهر پیغام فرستاد که درست نیست با قائل پدر زندگی کنی و برای وی زهری فرستاد تا به اردشیر بدهد و او را بکشد. البته به‌نظر برخی مورخان غربی، روایت عروسی اردشیر با یکی از بانوان اشکانی و تولد شاپور از او، که در ضمن نوشته‌های اردشیر دیده می‌شود، مأخوذ از یکی از افسانه‌های عامیانه است (کریستن‌سن، ۱۳۹۰: ۶۱).

چنان‌که کشته شد دخترش را بخواست بدان تا بگوید که گنجش کجاست

(فردوسی، ۷: ۱۵۶)

۲. اوضاع مذهبی دوره ساسانی و بازتاب آن شاهنامه

در ایران باستان، موبدان دارای نفوذ زیادی هستند. یکی از معروف‌ترین این موبدان تنسر موبد بزرگ عصر ساسانیان است که در دوره‌های بحرانی برای بازگشت وحدت ملی و دینی‌ای که اردشیر پایه‌گذاری کرده بود، به درخواست پادشاه تبرستان برای بازگرداندن امنیت و نظم ایران‌شهر دست به قلم می‌برد. تنسر علاوه بر اینکه در گزاره‌های خود راجع به چرخش امور داخلی می‌گوید، نگاه خود را به بیرون از حیطه جغرافیایی ایران می‌اندازد و به تحلیل مرکزبودن ایران‌شهر نسبت به سایر تمدن‌ها و ملل، جملاتی را می‌نگارد. او می‌گوید: در ایران‌شهر برخلاف بسیاری از حکومت‌ها روابط انسانی بر حقوق بشر، عقلانیت و آزادی شکل گرفته است. بقیه کشورها تنها با زور اداره می‌شوند. ایران میراث فریدون و سنت ایرج است و بر تمام سرزمین‌های دیگر از جمله ملت عقب‌مانده هند و روم، سیاهان بربر و اعراب برتری دارد (اسلامی و صحرايي، ۱۳۹۷: ۷).

اهمیت روحانیان در همه اعصار قابل توجه بوده و به دلیل دخالت آن‌ها در همه امور، قدرت فراوانی دارند. آن‌ها تنها به دلیل حق قضاوت و امور دینی مانند ثبت ولادت، ازدواج و تطهیر و قربانی قدرت نداشتند؛ بلکه آن‌ها به دلیل در اختیار داشتن املاک و زمین‌هایی که از راه کفاره‌های دینی به آن‌ها می‌رسید، استقلال داشتند و ترسی از دولت حاکمه احساس نمی‌کردند و در عوض دولت به آن‌ها وابسته بود (کریستن‌سن، ۱۳۸۵: ۸۳). این حکایت نشان از مصونیت موبدان در دوره شاهان ساسانی دارد؛ زیرا صحبت شاهان و انتقاد از آن‌ها به هر شکلی باشد خطراتی در پی دارد که شامل حال موبدان نمی‌شود.

می‌گویند چون خاندان اردشیر از سررشته‌داران دینی بوده‌اند بنیادگذار دودمان ساسانی در چنگال تعصب مذهبی گرفتار بوده و به انگیزه همین احساس است که آن آزادی مذهبی را که در ایران زمان اشکانیان روان بوده برانداخته است و دین زردشت را آیین رسمی کشور قرار داده و به موبدان و هیربدان نیرو بخشیده تا به پیروان دیگر دین‌ها سخت گیرند و دست آن گروه را چنان باز گذاشته بوده که آزادی عمل را از پیروان دیگر دین‌ها گرفته بودند (عباس، ۱۳۴۸: ۳).

۲.۱. ظهور مانی و مزدک

ظهور ادیان جدید با وجود موبدانی که دین زرتشت را تبلیغ می‌کردند چندان مورد تأیید نبوده و گرچه برخی شاهان از آن‌ها حمایت کردند در نهایت به سرکوب انجامیده است. در روایت طبری مانی در عهد بهرام پسر هرمز ظهور کرد و او دستور قتل وی را داد (طبری، ۱۳۶۲: ۵۹۵). فردوسی این داستان را با جزئیات شرح کرده است.

بیامد یکی مرد مزدک بنام	سخنگوی با دانش و رای و کام
گرانمایه مردی و دانش فروش	قباد دلاور بدو داد گوش

(فردوسی، همان: ۴۲/ ۸)

فردوسی در این زمان از خشکی و قحطی یاد می‌کند که در دوره قباد پدید آمده و مزدک به مردم امید داده و شاه را برانگیخته تا در انبار گندم را به روی مردم بگشاید. نظر فردوسی راجع به مزدک مثبت است؛ زیرا وی را با صفات نیک یاد می‌کند. همچنین می‌گوید که به علت سخنان پیامبرگونه مزدک و هواداری ضعیفان، سپاه زیادی برای او جمع شد و قباد نیز پیرو او گشت:

برو انجمن شد فراوان سپاه	بسی کس بیی راهی آمد ز راه
همی گفت هر کو توانگر بود	تهیدست با او برابر بود
نباید که باشد کسی برزود	توانگر بود تار و درویش بود
جهان راست باید که باشد بچیز	فزونی توانگر چرا جست نیز
زن و خانه و چیز بخشیدنیست	تهیدست کس با توانگر یکیست
من این را کنم راست با دین پاک	شود ویژه پیدا بلند از مغاک
هر آن کس که او جز برین دین بود	ز یزدان وز منش نفرین بود
بید هرک درویش با او یکی	اگر مرد بودند اگر کودکی
ازین بستدی چیز و دادی بدان	فرو مانده بد زان سخن بخردان
چو بشنید در دین او شد قباد	ز گیتی به گفتار او بود شاد

(همان، ۴۴-۴۵)

بعد از دوران قباد خسرو، مزدکیان را با حيله‌ای به نزد خود فرامی‌خواند و همه آن‌ها را به زور وارونه زنده به گور می‌کند و خود مزدک را هم زنده بردار می‌کشد. در شاهنامه این موضوع به‌طور کامل نقل شده است.

بکشتندشان هم بسان درخت

زبر پای و زیرش سرآکنده سخت

(همان، ۴۹)



تصویر ۱. مزدک بر دار. شاهنامه طهماسبی. دوره صفوی

تصویر بالا از شاهنامه طهماسبی چگونگی به دار کشیدن مزدک را منعکس ساخته است. در این تصویر گروهی از نظامیان کمانها را به سمت مزدکی که به دار آویخته شده است، نشانه گرفته‌اند. این تصویر کاملاً منطبق با سخنان فردوسی در شاهنامه می‌باشد.

۳. سیاست خارجی ساسانیان در شاهنامه طهماسبی

فردوسی نیز روایت بهرام گور را به تفصیل بیان نموده و راجع به حملات دشمنان خارجی چنین می‌سراید:

به رزم و به بزم و به ننگ و نبرد	برین گونه یک چند گیتی بخورد
به ترک و به چین و به آباد بوم	پس آگاهی آمد به هند و به روم
کسی را ز گیتی ندارد به کس	که بهرام را دل به بازیست بس
به مرز اندرون پهلوان نیز نه	طلایه نه و دیده‌بان نیز نه
نداند همی آشکار و نهان	به بازی همی بگذارند جهان
ز چین و ختن لشکری برگزید	چو خاقان چین این سخن‌ها شنید
کسی را نیامد ز بهرام یاد	درم داد و سر سوی ایران نهاد
همه کشور روم لشگر گرفت	وزان سوی قیصر سپه برگرفت

(فردوسی، همان: ۳۸۶ / ۷)

در این زمان بهرامشاه پهلوانان ایران را مانند: گسته‌م، مهر پیروز به زاد، مهر برزین خراد، بهرام پیروز، خزروان رهام، شاه گیلان و شاه ری، داد برزین، قارن و داد برزین، گرد آورده و با سی هزار سوار به سمت دشمن می‌فرستد.

پس آگاه آمد بهرامشاه	که آمد ز چین اندر ایران سپاه
جهاندار گسته‌م را پیش خواند	ز خاقان چین چند با او براند
کجا پهلوان بود و دستور بود	چو رزم آمدی پیش رنجور بود
دگر مهرپیروز به زاد را	سوم مهربرزین خراد را
چو بهرام پیروز بهرامیان	خزروان رهام با اندیان
یکی شاه گیلان یکی شاه ری	که بودند در رای هشیار پی
دگر داد برزین رزم‌آزمای	کجا زاولستان بدو بد به پای
بیاورد چون قارن برزمهر	دگر دادبرزین آژنگ چهر
گزین کرد ز ایرانیان شش‌هزار	خردمند و شایسته کارزار

(همان، ۳۸۷)

به دلیل اخباری که از ایران و بهرام گور رسیده خاقان گمان می‌کند که می‌تواند بدون جنگ ایران را به‌دست بیاورد؛ ولی در نهایت این اتفاق نمی‌افتد.

به ترکان چنین گفت خاقان چین	که کردیم بر چرخ گردنده زین
که آورد بی‌جنگ ایران به چنگ؟	مگر ما به رای و به هوش و درنگ؟

(همان، ۳۸۹)

خاقان چین به‌دست خزروان گرفتار می‌شود. بهرام شخصی را بر سرزمین توران می‌گمارد. از جمله کارهای وی ساخت آتشکده است. بهرام بر قیصر روم هم پیروز می‌شود.

مؤلف اخبار الطوال نیز در شرح دوره پادشاهی بهرام گور از جنگ وی با خاقان چین و حمله‌ای که سپاه بهرام به‌کار برده است به تفصیل سخن می‌گوید (دینوری، بی‌تا: ۸۵)؛ این حمله چنین پیش می‌رود که بهرام پوست گاوها را خشک کرده در آن سنگ‌ریزه می‌ریزد و به گردن کره اسبها می‌اندازد که از دویدن آنها صدای مهیبی برمی‌خیزد و لشکر خاقان از ترس فرار می‌کنند و بهرام آنها را تعقیب می‌کند و بسیار کشته و اسیر نصیب آنها می‌شود.

حمزه اصفهانی درباره‌ی شاپور ذوالاکتاف نوشته است: نام وی «هویه سنا» یعنی سوراخ‌کننده کتف است؛ زیرا در جنگ با تازیان، شانه‌های آنها را سوراخ کرده و از آن حلقه می‌گذرانید و اسیرشان می‌کرد. شاپور در شکم مادر پادشاهی یافت و هم اوست که به شکل ناشناس به روم رفت در آنجا اسیر شد. وی ابتدا در گندی‌شاپور بود و پس از سال سی‌ام سلطنت به مداین رفت. او بعد از دست‌یابی به روم، آنها را وادار کرد ویرانی‌ها را با خشت و گل و آجر و گچ مرمت کنند. از این طریق باروهای گندی‌شاپور را ساخت (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۵۰).

در سیاست خارجی کمک بیگانگان نیز قابل بیان است. هیاطله کسانی هستند که شاهان ایرانی همچون بهرام گور و قباد از آنها یاری گرفته‌اند در زمان قباد مزدک ظهور می‌کند و گرایش وی به این آیین موجب برکناری شده و او به

سمت هیاطله رفته با دختر دهگانی ازدواج می‌کند و بعد برای جنگ با برادر آماده می‌شود. خسرو فرزند همین دختر دهگان است که پس از قباد به شاهی رسیده است (دینوری، بی تا: ۹۵).

فردوسی از جنگ‌های دائم شاهان در این دوره یاد می‌کند. تصویر شماره ۲ به این جنگ‌ها اشاره دارد.



تصویر ۲. پادشاهی شاپور ذوالاکتاف، شاهنامه طهماسبی. دوره صفوی

در روش فردوسی تفصیل جنگ‌ها با ایجاز همراه است در مورد اردشیر چنین می‌سراید:

نپرداختی شاه روزی ز جنگ
چو جایی ز دشمن بپرداختی

به شادی نبودیش جای درنگ
دگر بدکنش سر برافراختی

(فردوسی، همان: ۱۶۵ / ۷)

اردشیر دائم در جنگ است و هیچوقت آسوده نیست با این حال در صدد گرفتن تمام دنیاست و از کید می‌خواهد تا طالع او را ببیند. نتیجه این کار آن است که کید می‌گوید اگر یکی از نژاد مهرک نوشزاد با این خاندان پیوند یابد دیگر همه ممالک آرام گرفته کشورها بی جنگ در اختیار او قرار می‌گیرد. به نظر می‌آید در چنین مواردی، کاهنان یا طالع‌بینان مصالحتی را در نظر گرفته بر آن اساس نظر می‌دهند و این ازدواج نوعی مصلحت است که بین دو نژاد صلح ایجاد شود

و جهان آرام بگیرد. در واقع مثل این است که جهان در ید اختیار کاهنان است و با نظر آن‌ها پیش می‌رود به دلیل این که خرافات رواج دارد و به طالع معتقد هستند اما کاهن غیب نمی‌داند؛ بلکه می‌تواند از جانب خود یا دیگران دستوراتی بدهد که آینده کشورها را می‌سازد.

در زمان شاپور نیز قیصر روم وی را راحت نمی‌گذارد از این رو جنگ درمی‌گیرد. سیاست ایران در این زمان بیشتر مبتنی بر جنگ و دفاع است و کم‌تر سخن از صلح به میان می‌آید.

وزان پس پراگنده شد آگهی	که بیکار شد تخت شاهنشاهی
بمرد اردشیر آن خردمندشاه	به شاپور بسپرد گنج و سپاه
خروشی برآمد ز هر مرز و بوم	ز قیدافه برداشتند باژ روم
چو آگاهی آمد بشاپور شاه	بیاراست کوس و درفش و سپاه
همی راند تا پیش التوینه	سپاهی سبک بی‌نیاز از بنه
سپاهی ز قیدافه آمد برون	که از گرد خورشید شد تیره‌گون

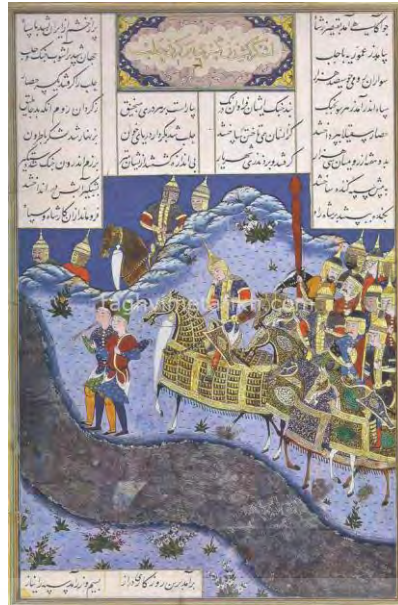
(فردوسی، ۱۹۶/۷-۱۹۷)

شاپور در این جنگ پیروز است و قیصر امان می‌خواهد و حاضر است مثل سابق باجگذار وی باشد.

فرستیم باژی چنان هم که بود	برین نیز دردی نباید فزود
همان نیز با باژ فرمان کنیم	ز خویشان فراوان گروگان کنیم

(همان: ۱۹۸)

روم در زمان اردشیر خراجگذار بوده و در این دوره هم تسلیم می‌شود. پیداست که سرزمین‌های تحت سلطه ایران به محض ایجاد تغییر در سلطنت و عوض شدن شاهان در پی آزادی و استقلال خود هستند، چنانکه در زمان شاپور ذوالاکتاف عرب‌ها از کودکی وی استفاده کرده بر ایران مسلط شدند؛ اما از انتقام مصون نماندند و این جنگ و جدال تا زمان آخرین شاه ساسانی و استیلای اعراب ادامه دارد. در شاهنامه طهماسبی به لشکرکشی خسروانوشروان به حلب اشاره شده است. تصویر زیر این نبرد را ترسیم کرده است.



تصویر ۳. محاصره کردن حلب سوریه توسط خسرو انوشیروان، شاهنامه طهماسبی. دوره صفوی

فردوسی در دوران شاهی خسرو پرویز، بیشتر به مسائل شخصی خسرو مانند عشق وی به شیرین پرداخته و همچنین راجع به نوازندگان دربار نیز روایت‌هایی نقل شده که شبیه به داستان خسرو و شیرین نظامی است که نشان می‌دهد منابع مورد استفاده آن‌ها یکسان بوده و این داستان در کتاب‌ها نقل شده است. تصویر شماره ۴ به ترسیم ماجرای توطئه قتل خسرو پرویز پرداخته است.



تصویر ۴. ماجرای توطئه قتل خسرو پرویز شاه ساسانی، شاهنامه شاه طهماسبی. دوره صفوی

نتیجه‌گیری

باتوجه به مطالبی که در شاهنامه و نگاره‌های نسخه طهماسبی راجع به دوره ساسانیان آمده مشخص می‌شود که فردوسی حکایات زیادی در مورد برخی از شاهان این دوره آورده است که در کتاب‌هایی چون کارنامه اردشیر بابکان و تاریخ طبری نقل شده و جنبه داستانی آن‌ها بیش از ارزش تاریخی می‌باشد. البته فردوسی هم در مورد بسیاری از شاهان به‌ویژه در اواخر دوره ساسانی به ایجاز گراییده و تنها نام و سال سلطنت را ذکر کرده است. فردوسی بیشتر به شاهانی می‌پردازد که حکایات داستانی بیشتری درباره آن‌ها نقل شده مانند بهرام گور و خسرو پرویز اختلافات دیگری که در شاهنامه دیده می‌شود مربوط به سال‌های سلطنت شاهان است که بیشترین اختلاف را در دوره اردشیر اول می‌بینیم. اغلب مورخان مدت پادشاهی اردشیر را حدود ۱۴ یا ۱۵ سال را ذکر کرده‌اند؛ اما فردوسی ۴۰ سال برای وی ذکر نموده که اختلاف مهمی است. فردوسی از فیروز خشنشده که پس از پوران مدت دو ماه شاه بود سخنی نگفته است. در شاهنامه طهماسبی نیز به‌نوعی با پرداختن به شخصیت‌های تاریخی چون خسرو انوشروان، خسرو پرویز و مزدک به برخی نکات در خصوص سیاست خارجی و گرایش دینی دوره ساسانی اشاره شده است. در نسخه خمسه طهماسبی نیز به غالب جنگ‌های شاهان ساسانی و تحولات مذهبی چون قیام مزدک اشاره شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ:

کتاب‌ها

- اصفهانی، حمزه. (۱۳۴۶). تاریخ پیامبران و شاهان. ترجمه: جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ثعالبی، محمدبن اسماعیل. (۱۳۶۸). تاریخ ثعالبی. ترجمه و مقدمه: مجتبی مینوی، پیشگفتار و ترجمه: محمد فضائلی. تهران: نقره.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۳۶۲). تاریخ الرسل والملوک. ترجمه: ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- عباس، احسان. (۱۳۴۸). عهد اردشیر. ترجمه: محمدعلی امام شوشتری، تهران: چاپخانه بهمن.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۹۶۸). شاهنامه. تصحیح: م.ن. عثمانوف، زیر نظر: ع. نوشین، مسکو: آکادمی علوم اتحاد شوروی.
- فرهوشی، بهرام. (۱۳۷۸). کارنامه اردشیر بابکان به انضمام چند تاریخ دیگر. تهران: دانشگاه تهران.
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۸۵). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه: رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- لوکونین، و.گ. (۱۳۵۰). تمدن ایران ساسانی، ایران در سده سوم تا پنجم میلادی. ترجمه: عنایت الله رضا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. (۱۳۸۹). التنبیه و الاشراف. ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نولدکه، تئودور. (۱۳۵۸). تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان. ترجمه: عباس زریاب خویی، تهران: انجمن آثار ملی.

مقالات

- اسلامی، روح‌اله و صحرائی، محمد. (۱۳۹۷). «الگوی سیاست خارجی ساسانیان». پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل. شماره ۲، ۲۰-۱.
- حبیبی‌نژاد، رضا. (۱۳۶۸). «مراکز آموزشی ایران در زمان ساسانیان». پارسه، ش ۱۸ و ۱۹، ۵۲-۲۶.
- دینوری، احمدبن داود. (بی تا). اخبار الطوال. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان (نشر دیجیتالی از روی نسخه خطی).
- رحمانی، سامان. (۱۳۹۷). «ساسانیان و ایده ایران». جندی‌شاپور، ش ۱۵، ۱.
- محمودآبادی، سید اصغر و آیینه‌وند، صادق. (۱۳۷۹). «نقد و بررسی تطبیقی منابع اسلامی و غربی در باب کتیبه‌های اردشیر بابکان». مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۱۱، شماره ۲-۱، ۶۱-۷۸.
- واسعی، علی‌رضا و سعیدی، محمدمهدی. (۱۳۸۹). «تاریخ به مثابه فرایند اندیشه در مروج‌الذهب و التنبیه و الاشراف مسعودی». آیینه پژوهش. شماره اول، ۷۱-۹۲.